

ایمان

اکبر

غفر:

S

N

E

W

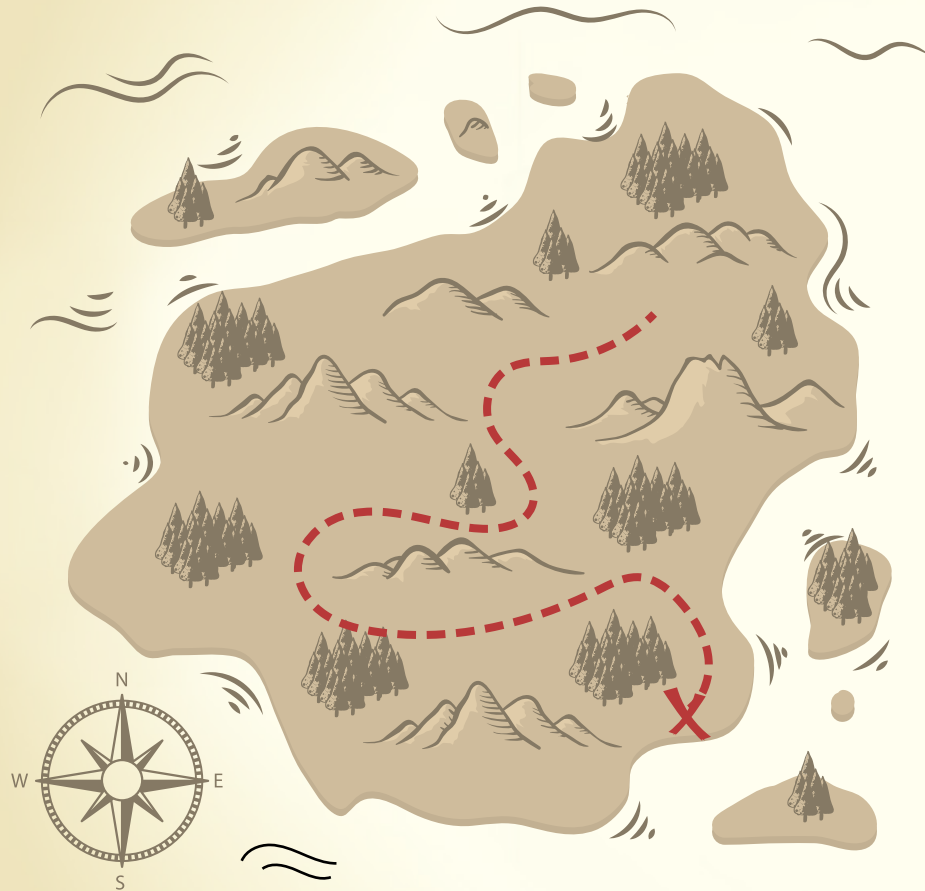
درس دوم

گروه سنی: ۸-۱۲ سال

هدف: من به عنوان سفیر آگاپه، باید در هر جا و در هر لحظه محبت آسمانی داشته باشم و این محبت، محبتی صبور است!

آیات کلیدی: پیدایش ۱۲ (داستان ابراهیم)

زمان ۴۵ دقیقه تا یک ساعت (از قبل با همکاران تان تمرین کنید و مطمئن شوید که بیشتر از یک ساعت جلسه طول نمی کشد)



توضیحاتی برای شروع:

در ابتدای درس اعلانیه‌ای برای بچه‌ها داریم. در اینجا می‌توانید صدای طبل و یا شیپور را پخش کنید تا بچه‌ها هیجان بیشتری داشته باشند. اعلانیه را در کاغذی طوماروار آماده کنید که در همان حال و فضای سرزمین نارنیا (از هفته گذشته) باقی بمانیم.



متن داخل اعلانیه:

خانم‌ها و آقایون، همانگونه که مطلع هستید، پادشاه سرزمین آگاهیه این فرصت را به هر کس داده است تا او نیز شهروند و شاهزاده این سرزمین شود. و اما آنانی که به مقام شاهزادگی برگزیده شده‌اند زین پس سفیران سرزمین آگاهیه نیز می‌باشند.

یک مکث کوتاه و صدای طبل اینجا باز شنیده می‌شود. به این ترتیب شما به متن هیجان بیشتری می‌دهید تا بچه‌ها بدانند که سفیر بودن کار مهمی است.

شما نمایندگان سرزمین آگاهیه هستید و به‌عنوان نمایندگان و سفیران قرار است به ۱۰ مأموریت فرستاده شوید. سفیر عالی‌ترین و مهم‌ترین نماینده یک کشور است که به سرزمین‌های مختلف فرستاده می‌شود.

در هفته پیشین، نامه‌ای به شما ارسال شده است. این نامه مهر و موم شده، اولین مأموریت شماست. اما قبل از گشودن نامه‌ها آیا کسی هست که نامه را دریافت نکرده اما می‌خواهد به ما بپوندد؟

در این قسمت فرصتی داریم تا اگر کسی از هفته گذشته عهد را نبسته تصمیم بگیرد تا با ایمان آوردن به عیسی او نیز شهروند سرزمین آگاهیه شود و در این مأموریت‌ها با بقیه همراه شود. چند دقیقه وقت دهید و اگر فرد جدیدی خواست عهد ببندد، مثل مراسم هفته گذشته، به او یادآوری کنید که چرا این کار را می‌کند و بعد با جشن و سرور اعلان کنید که او نیز از امروز شاهزاده شده است، شاهزاده سرزمین آگاهیه.

پس از این مراسم، شیپوری نواخته می‌شود و بقیه متن را از روی طومار بخوانید.

زمان بازگشایی پاکت‌های سربسته است. در هر پاکت یک نقشه قرار دارد و یک عدد تاس. تاس را باید در تمام طول این مسیر مأموریت ۱۰ هفته‌ای در جای امنی نگه دارید چون یکی از مهم‌ترین لوازمی است که لازم دارید.



مردم سرزمین‌های دیگر از دو طریق می‌توانند بفهمند که ما از کدام سرزمین آماده‌ایم. چه کسی می‌داند که آن دو طریق چیست؟

۱- پاسپورت ما

۲- وفاداری به قانون سرزمین خود

از بچه‌ها پرسید که چه کسی می‌داند که قانون سرزمین آگاه چه چیست؟
تنها قانون سرزمین آگاه، قانون محبت است.

یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵

عیسی گفت: یک حکم به شما می‌دهم، فقط یک حکم. آن حکم محبت است. همان‌گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید.

از بچه‌ها بخواهید دست خود را بر روی قلب‌شان بگذارند و بلند این جمله را تکرار کنند:
من به‌عنوان سفیر آگاه، باید در هر جا و در هر لحظه محبت داشته باشم، محبتی همچون محبت عیسی.

(این عمل نمادین است. سعی کنید در تمام طول جلسه، فضای داستان‌های افسانه‌ای و شوالیه‌ای را حفظ کنید. به یاد داشته باشید که الگوی درس‌ها تماماً داستان‌های نارنیا است و بر اساس آن فضا سازی شده است.)

توضیح مأموریت:

این هفته مأموریت ما در یک صحرا است و بچه‌ها باید در طی مسیر حدس بزنند که موضوع درس امروز ما چیست.

هر کدام از سفیران یک تاس و یک نقشه دارند. برای شروع مأموریت هر یک از بچه‌ها باید تاس بندازند و هر کس که تاس شماره ۶ آورد باید بازی را شروع کند.

در نقشه ردپاهای رنگی دیده می‌شود که مسیر سفر سفیران را مشخص می‌کند. هر کدام از این رنگ‌ها نمایانگر مسافت‌ها با مترآژهای متفاوت هستند. ردپاهای ۶، ۱۲، ۱۸، ۲۶ و ۳۲ خانه‌های چالش هستند. بچه‌ها باید به نوبت تاس بندازند و به ردپاهای ۶، ۱۲، ۱۴، ۱۸، ۲۴ برسند. برای مثال نفر اول عدد ۲

اول

می‌آورد، به این ترتیب ۲ خانه می‌رویم جلو. نفر دوم ۵ می‌آورد، اما چون باید به خانه ۶ برسیم پس نفر دوم نمی‌تواند حرکت کند. به همین ترتیب نفر سوم تاس می‌اندازد و اگر ۴ بیاورد می‌تواند به خانه ۶ برود. زمان دریافت چالش اول رسیده است.

در این بازی معلم هم یک نامه سر بسته دارد. او نیز باید نامه را باز کند و در آن چالش‌های هر خانه نوشته شده است.

(در حین بازی ممکن است بچه‌هایی که تاس مورد نظر را نیاورده‌اند کلافه شوند و غر بزنند. این قسمت هم جزئی از تعلیم تجربی شماست که می‌توانید در قسمت کاربرد به آن اشاره کنید. سفیر آگاه محبتش را با صبر نشان می‌دهد، صبری که غر و شکایت نمی‌کند و به خاطر مشکلات راه سفر را نیمه‌تمام نمی‌گذارد.)

شروع مأموریت:

طبق توضیحات بالا بچه‌ها مأموریت را شروع کرده و خود را به خانه ۶ برسانند. خانه ۶ در واقع مقدمه درس امروز است و بچه‌ها در اینجا با مفهوم صبر به‌عنوان اولین شکل محبت آشنا می‌شوند.

مقدمه

معلم دفترچه راهنمای خود را به شکل یک طومار باز کرده و با صدای بلند می‌گوید:

خانه شماره ۶: کارگاه عملی

- ♦ با استفاده از جدول راهنمای کنار نقشه بگویید تا اینجا چقدر راه را پیاده طی کرده‌ایم؟
- ♦ با اینکه ابتدای مأموریت هستیم اما راه طولانی‌ای را طی کرده‌ایم و همه تشنه هستیم، اما آب نداریم. آب مهم‌ترین وسیله در طی سفر در صحرا و بیابان است. شما چند دقیقه وقت دارید تا با وسایلی که به ما در کنار نقشه داده شده است بگویید که چگونه می‌توان آب تهیه کرد؟

خانه شماره ۱۲: ایستگاه امدادرسانی

در این ایستگاه شتری روی زمین نشسته و کلاهی کنارش قرار دارد. معلم به بچه‌ها می‌گوید که یک نفر از اعضای یک گروه صحرانورد گم شده است. سعی کنید حدس بزنید که او کجاست! به بچه‌ها اجازه دهید نظرات خود را بگویند.

پاسخ شما: صحرانورد در واقع زیر شن‌ها مخفی شده است. فکر می‌کنید چرا او زیر شن‌ها مخفی شده است؟

در صحرا در این ساعت روز یعنی ساعت ۱۲ ظهر، خورشید به شدت می‌تابد و گرما باعث می‌شود که بدن سریع‌تر آب خود را از دست بدهد. از دست دادن آب بدن خیلی خطرناک است. در این زمان یا باید به اندازه کافی آب نوشید و یا استراحت کرد. صحرانورد برعکس شما چون روش تهیه آب را نمی‌داند و آب کافی نداشت پس باید استراحت می‌کرد و اینطوری صبر می‌کرد تا خورشید غروب کند. در ضمن چون صحرانورد سایه‌بانی هم ندارد که زیر آن استراحت کند به ناچار زیر شن باید می‌رفت و صورتش را هم با کلاهش می‌پوشاند.

از بچه‌ها بخواهید که بروند و سریع کلاهی برای خود پیدا کنند. بعد بچه‌ها باید کلاهشان را بر سرشان بگذارند. به بچه‌ها بگویید که چون شما در مرحله قبل صبر کردید و توانستید برای خود آب تهیه کنید می‌توانید به سفر ادامه دهید و بگذارید که صحرانورد استراحت کند.

نوبت رسیدن به خانه ۱۸ است. بازی را به همان روش قبل ادامه دهید تا به خانه ۱۸ برسید.

خانه شماره ۱۸: خطر

قبل از رسیدن به خانه ۱۸ صدای وزیدن باد کم‌کم شنیده می‌شود. به محض رسیدن به خانه ۱۸ به بچه‌ها اعلان کنید که طوفان شن در راه است و هر چه زودتر باید به خانه ۲۶ برسند و در آنجا برای خود پناهگاهی بسازند. از بچه‌ها بپرسید که طوفان شن چیست؟

♦ طوفان به دلیل آشفته‌گی شدید در جو و به خاطر اختلاف فشار هوا رخ

به بچه‌ها فرصت دهید تا پیشنهادات خود را با بقیه در میان بگذارند. در ادامه به بچه‌ها توضیح دهید که چطور در زمانی که آب در دسترس نیست می‌توان با کندن زمین آب برداشت کرد:

وسایل مورد نیاز: بیلچه، سطل آب، پلاستیک، سنگ

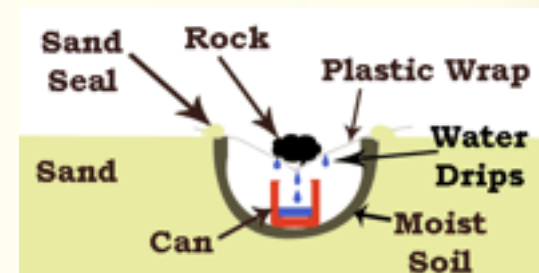
۱- ابتدا با بیلچه زمین را تا ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر حفر می‌کنیم.

۲- سطل آب را در حفره قرار دهید.

۳- پلاستیک را روی حفره بکشید.

۴- سنگ‌ها را اطراف پلاستیک بچینید و آنها را ثابت کنید و یک عدد سنگ را در مرکز سطل روی پلاستیک قرار دهید.

۵- مرحله آخر، مهم‌ترین مرحله است. حالا باید چند ساعت منتظر بمانیم و اینگونه آب درون سطل جمع می‌شود.



به بچه‌ها توضیح دهید که باید مطمئن باشند که به اندازه کافی آب جمع کرده‌اند و هر چه بیشتر صبر کنند آب بیشتری جمع خواهند کرد. زمان بگیریید و به مدت ۳۰ ثانیه سکوت کنید. این سکوت و زمان آن، نمادین است. به این روش بچه‌ها صبر کردن و انتظار کشیدن را تجربه می‌کنند. زمان حرکت است و باید دوباره تاس بندازیم و همگی آماده حرکت شویم تا به خانه ۱۲ برسیم.

اجازه دهید داوطلبین هر کدام یک نکته کوچک در مورد ابراهیم بگویند. در ادامه داستان را بر اساس اطلاعاتی که بچه‌ها دادند به صورت خلاصه تعریف کنید:

- ۱- خدا ابراهیم را دوست داشت و او را محبت می‌کرد.
- ۲- ابراهیم هم خدا را دوست داشت، او مثل ما شاهزاده و فرزند خدا شده بود.
- ۳- خدا به ابراهیم که مثل پسرش دوستش داشت سرزمین بزرگی را نشان داد و به او گفت که این سرزمین را به تو می‌دهم.
- ۴- ابراهیم خیلی خوشحال شد. اما یک مشکلی وجود داشت.
- ۵- ابراهیم به خدا گفت که فرزندی ندارد و نگران است که بعد از او سرزمین به چه کسی به ارث می‌رسد.
- ۶- خدا به ابراهیم قول داد که صاحب فرزند می‌شود با اینکه پیر شده بود.
- ۷- اما ابراهیم باید صبر می‌کرد. فکر می‌کنید ابراهیم چقدر باید صبر می‌کرد؟ ۲۵ سال! از زمانی که خدا به ابراهیم وعده داد تا زمانی که وعده به انجام رسید ۲۵ سال طول کشید.

صدای آژیری شنیده می‌شود. این آژیر به ما اطلاع می‌دهد که طوفان تمام شده است. پس باز باید راهی شد، گرچه راه چندان به پایان مأموریت نرسیده است.

نفر بعدی که باید تاس بندازد را انتخاب کنید. بازی را ادامه دهید تا به خانه شماره ۳۲ برسید.

کاربرد

خانه شماره ۳۲: پاداش

از بچه‌ها بخواهید مسافتی را که از ابتدا تا به انتها طی کردند را بشمارند. به بچه‌هایی که سن‌شان کمتر است کمک کنید تا شمارش را انجام دهند.

می‌دهد و گاهی با باران و گاهی با شن و ماسه (بسته به مکانی که در آن قرار دارد) همراه است. طوفان شن هنگامی رخ می‌دهد که بادی شدید در مناطق خشک و بیابانی شروع به وزیدن نماید و با سرعت و قدرتی که دارد، ذرات شن و ماسه را در هوا پخش کند.

راهکارهای مقابله با طوفان شن چیست؟

- ♦ خونسردی خود را باید حفظ کنیم.
- ♦ به دنبال سرپناهی بگردیم.
- ♦ داشتن آب کافی (طوفان شن باعث خشک شدن دستگاه تنفسی می‌شود. داشتن آب کافی کمک می‌کند که بتوانید دست و صورت را بشوید و آب بنوشید).

♦ داشتن عینک و ماسک (در صورتی که ماسک ندارید می‌توانید دستمالی را دور سر و صورت ببندید. دستمال را خیس کنید چون این رطوبت درون دستمال از ورود گرد و غبار و هوای خشک به درون سیستم تنفسی شما جلوگیری می‌کند).

- ♦ در پناهگاه منتظر بمانید تا طوفان تمام شود.

یادتان باشد که از اعلان اخطار طوفان شن تا شروع آن می‌تواند تنها ۱۳ دقیقه زمان ببرد، پس هر چه زودتر خود را به پناهگاه برسانید.

تعلیم کتاب مقدس

خانه شماره ۲۶: ایستگاه اتراق

به بچه‌ها بگویید که وقتی در صحرا هستید مطمئناً نه می‌توانید با خود تبلت داشته باشید و نه گوشی همراه. الان هم در پناهگاه باید آنقدر منتظر بمانیم تا طوفان تمام شود. پس برای اینکه حوصله‌تان سر نرود بهترین کار این است که یا از روی کتابی بخوانید و یا داستانی را گروهی برای هم تعریف کنید. آیا اینجا کسی هست که داستان ابراهیم، یکی از مردانی که اسمش در کتاب مقدس بارها آمده باشد را بداند؟

(حتماً دقت شود که این قسمت از تعلیم با واژگان ساده گفته شود تا همه بچه‌ها متوجه مفهوم این قسمت شوند).

با بچه‌ها دعا کنید.

زمان دریافت جایزه است.

در انتها عکس ماشین جیپ را به بچه‌ها نشان دهید و به آنها بگویید چون این مرحله از مأموریت را به خوبی گذرانید جایزه شما این است که با جیپ به مرحله بعدی مأموریت بروید. در طی هفته نامه سربسته دیگری را دریافت خواهید کرد. اما همچنان باید صبر کنید و نامه را زمانی باز کنید که همگی با هم جمع شده‌ایم.



بچه‌ها را تشویق کنید تا جعبه‌ای برای خود آماده کنند و هر نقشه و مأموریت را که انجام شده در جعبه بگذارند. شاید روزی دوباره نقشه به دردشان بخورد!

پروژه هفته

در طی هفته بچه‌ها باید تحقیق کنند و بگویند چند درصد از کره زمین را صحراها گرفته است؟

به بچه‌ها توضیح دهید که به پایان اولین مأموریت رسیدیم. برای شما پاداشی در نظر گرفته شده است. اما قبل از اینکه پاداش به شما داده شود پادشاه سؤالاتی را برای شما مطرح کرده است.

سؤال اول: کدام یک از مراحل سفر برای شما سخت‌تر بود؟

سؤال دوم: از هر مرحله از سفر چه آموختید؟

سؤال سوم: از کل مأموریت چه چیز آموختید؟

سؤال چهارم: در این مأموریت چطور شما نشان دادید که سفیر آگاه هستید؟

سفیر آگاه، در هر جا و در هر زمان باید محبت کند، محبتی شبیه به محبت عیسی. و اینگونه دیگران می‌فهمند که آنها شاگرد عیسی و فرزند خدای پر از عشق و محبت هستند. در اول قرن‌تیاں ۱۳: ۴ نوشته شده که محبت بردبار و صبور است.

از بچه‌ها بخواهید محبت صبور را تعریف کنند.

صبر یعنی انتظار کشیدن با آرامش بدون غر زدن، بدون عصبانی شدن، بدون نگران شدن.

- ♦ در این سفر ما دیدیم که اگر از همان ابتدا صبر نداشتیم نمی‌توانستیم برای سفرمان آب تهیه کنیم. آب مهم‌ترین وسیله در این سفر بود.
- ♦ در طوفان باید صبر می‌کردیم و بدون غر زدن، شرایط را می‌پذیرفتیم و در زمان انتظار بدون نگرانی از وقت‌مان بهترین استفاده را می‌کردیم.

از بچه‌ها بخواهید دقایقی را تعمق کنند و فکر کنند در چه مواردی در زندگی‌شان باید صبر داشته باشند و انتظار بکشند. آیا این انتظار کشیدن برای آنها دشوار است؟ چه راهکارهایی برای اینکه محبتی صبور داشته باشند می‌توانند ارائه دهند؟

به بچه‌ها یادآوری کنید بر طبق کلام خدا، خدا کسانی را که با ایمان به او انتظار می‌کشند، صبر دارند و در سختی‌ها بردبار هستند را خجل نمی‌کند.